

روند همگرایی و تأثیر آن بر توسعه در آسیای مرکزی

سعیده لطفیان^۱

فرآیند همگرایی و اتحاد در فضای آسیای مرکزی پتانسیل اقتصادی همه کشورهای منطقه را افزایش می‌دهد؛ زیرا فرصتهای جدیدی برای گسترش بازارهای این منطقه گشوده می‌شود. آسیای مرکزی همگرا و متحد می‌تواند از لحاظ اقتصادی و استراتژیک در توازن قدرت در سطح برابری با چین و روسیه قرار گیرد. کشوری که بیشترین نفع را از این همگرایی منطقه‌ای خواهد برد، تاجیکستان است که جمعیتش برابر با یک چهارم جمعیت ازبکستان و توسعه اقتصادی و انسانی‌اش در پایین‌ترین سطح در منطقه است. موفقیت همگرایی اقتصادی در آسیای مرکزی به نفع قزاقستان (شاید توسعه یافته‌ترین عضو این جامعه) هم خواهد بود، زیرا آلمانی قادر خواهد شد تا وابستگی شدیدش را به روسیه کاهش دهد، و روابط اقتصادی قدرتمندی را با مراکز توسعه جهان برقرار سازد.

مقدمه:

تحولات جهانی پس از جنگ سرد موجب توجه فزاینده به تهدیدهای جدید برای امنیت منطقه‌ای و جهانی شده است. مشکلات جهانی که احتمال دارد به هرج و مرج سیاسی بیانجامد شامل تهدیدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زیر هستند: باران اسیدی، بیماری ایدز، قاچاق بین‌المللی مواد مخدر، نابود شدن لایه حفاظتی اوزون، افزایش دمای کره زمین به دلیل اثرات گلخانه‌ای و جنگل‌زدایی بی‌رویه، تهی شدن منابع تجدید نشدنی کره زمین، رشد هندسی جمعیت، کاهش گنجایش بخش کشاورزی برای تولید مواد غذایی کافی، آلودگی اقیانوسها، بدهی شدید بین‌المللی، خطر بروز رکود اقتصادی جهانی بر اثر موجی از سیاستهای حمایت‌گرایانه مرکانتالیسم جدید، افزایش نابرابری بین اقشار مرفه و فقیر و رنج درد، بی‌عدالتی و خشونت که چنین محرومیت‌هایی می‌تواند ایجاد کنند.^(۱) فرض بر این است که روندهای توسعه اقتصادی و انسانی مشاهده شده موجود نشان می‌دهند که واقع‌گرایی (یعنی رقابت ملتها و کمک به خود) برای رفع تهدیدهای جدید

۱. دکتر سعیده لطفیان، استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران است.

جهانی مناسب نبوده، و رهبران ملی باید همگرایی (یعنی همکاری‌های چندجانبه و کمک به خود و دیگران) را بر گزینند. از آنجایی که اکثر مشکلات جهانی مشترک و عالم‌گیرند، با سیاستهای ملی‌گرایانه و یکجانبه و اصل «ما بر علیه آنها» که به رقابت ناسالم در صحنه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دامن می‌زنند، قابل حل نیستند.

در این مقاله، با پذیرش این تصور و شناسایی مشکلات عمده منطقه آسیای مرکزی نتیجه گرفته می‌شود که با توجه به جایگاه جهانی این منطقه (و بویژه در خشکی محصور بودن و وابستگی آن به بازارهای جهانی)، کشورهای آسیای مرکزی قادر به انتخاب سیاستهای اقتصادی مستقل و حمایت‌گرایانه نیستند. این دولتها باید راه بهره‌بردارنده‌ای را برگزینند و تلاش کنند تا از افزایش وابستگی متقابل فزاینده حداکثر منفعت را حاصل خود سازند. پاسخ مناسب دولتهای آسیای مرکزی شامل تلاشهای سازنده برای همگرایی اقتصادی، و طرح سیاستهای اقتصادی به طور مشترک و هماهنگ با همسایگان آنان است.

همگرایی منطقه‌ای

روند همگرایی اقتصادی و سیاسی آسیای مرکزی در نهادهای مهم منطقه‌ای اکو و کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (سی.آی.اس) آغاز گردیده‌است. پیش از بررسی مشکلات همگرایی در این منطقه، باید تعریف جامعی از واژه همگرایی^(۲) ارائه شود. کارل دوچ این واژه را رابطه‌ای بین واحدهایی توصیف می‌کند که در آن به طور متقابل وابسته‌اند، و به طور مشترک ویژگی‌های نظامی را به وجود می‌آورند که به تنهایی فاقد آنها خواهند بود. همگرایی سیاسی اتحاد و یکپارچگی بازیگران سیاسی یا واحدهای سیاسی مانند افراد، گروهها، بخشهای شهری، مناطق، یا کشورها در ارتباط با رفتار سیاسی آنان است.^(۳)

دوچ وظایف مهم همگرایی را در سه گروه زیر خلاصه می‌کند:

۱. حفظ صلح؛
 ۲. کسب توانایی‌های چند منظوره بیشتر؛
 ۳. اجرای کاری ویژه؛
 ۴. به دست آوردن تصویر جدیدی از خود و هویت نقش جدید.
- نبود آمادگی برای جنگ در بین واحدهای سیاسی (با گردآوری آمارهایی در مورد استقرار

نیروهای نظامی، تسلیحات و بودجه نظامی، نظرات مردم و نخبگان) نمایانگر انتظارات از صلح است. در مورد گروه دوم که آیا مجموعه‌ای از کشورها به توانایی‌های چند منظوره بیشتری دست یافته‌اند و یا نه، باید از آمارهای مربوط به تولید ملی ناخالص، درآمد سرانه و گوناگونی برنامه‌های اقتصادی استفاده کرد. در مورد گروه سوم که آیا این مجموعه توانسته کار ویژه‌ای را تکمیل کند باید به اطلاعات مربوط به وجود و رشد کارکردهای مشترک مناسب، نهادهای مشترک، منابع مشترک مصرف شده برای اهداف ویژه اتکا کنیم. سرانجام، برای بررسی این مسئله که آیا این مجموعه قادر به کسب هویت نقش جدید بوده است می‌توانیم از کاربرد علائم مشترک، و از ایجاد و استفاده گسترده از علائم جدید، از داده‌های مربوط به دیدگاه‌های مردم و نخبگان و از داده‌های مربوط به رفتار توده‌های مردم بویژه مورد قبول واقع شدن انتقال ثروت و سایر منافع حاصله از توسعه در درون این جامعه، و از سود و زیانهای مشترک استفاده کنیم.^(۴)

پس فرآیندی که به وسیله آن واحدهای اقتصادی یا سیاسی گوناگون (مانند کشورها) سعی می‌کنند تا خود را متحد سازند، همگرایی خوانده می‌شود. میزان موفقیت کشورها در همگرایی اقتصادی را با بررسی جریان تبادلات بین‌المللی مانند تجارت، مهاجرت، توریسم و پست می‌توان سنجید. برخی از نظریه‌پردازان بر این باورند که در شرایط جهانی فعلی پذیرش روند همگرایی دلبخواهی نیست بلکه اجباری شده است. رهیافت کارکردگرایی بر پایه این فرض عمل می‌کند که مشکلاتی از قبیل افزایش آلودگی، فقر گسترده، جهل، انفجار جمعیت، تهی شدن منابع طبیعی، هرج و مرج، خشونت قومی و منازعه‌های منطقه‌ای و بسیاری دیگر از مسائل حاد بین‌المللی را نمی‌توانیم برطرف سازیم، مگر با همکاری سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بیشتر اعضای نظام بین‌الملل.^(۵)

رهبان کشورهای آسیای مرکزی نیز به این واقعیت پی برده، و درصدد برآمده‌اند تا هماهنگی بیشتری در زمینه سیاستهای اقتصادی، سیاسی و دفاعی در منطقه ایجاد نمایند. به‌طور مثال، هر پنج کشور آسیای مرکزی در جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع که در دسامبر ۱۹۹۱ ایجاد گردید، عضویت دارند، و غیر از ترکمنستان همه آنان قرارداد امنیت دسته‌جمعی را در ماه مه ۱۹۹۲ به امضا رسانیدند. با امضای این قرارداد متعهد شده‌اند که: «اگر هریک از کشورهای عضو از طرف یک کشور یا گروهی از کشورها مورد تجاوز قرار گیرد، این امر به منزله تجاوز علیه تمامی دول عضو این پیمان تلقی می‌گردد».^(۶) در ۱۹ مارس ۱۹۹۶، روسای چهار کشور از بین دوازده عضو

کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (بوریس یلتسین از روسیه، الکساندر لوکاشنکا از بیلوروس، نورسلطان نظربایف از قزاقستان و عسگر آقایف از قرقیزستان) قراردادی را در مسکو با هدف ایجاد «جامعهٔ ممالک همگرا»^(۷) به امضا رسانیدند. این پیمان به منظور هماهنگی در زمینه‌های اقتصادی، علوم، آموزش و پرورش، فرهنگ و مسائل اجتماعی است. سه هیأت اداره‌کنندگان متشکل از سیاستمداران و مقامات ارشد از این چهار کشور نظارت بر فرآیند همگرایی را بر عهده دارند.^(۸)

در ۲ نوامبر ۱۹۹۶، وزرای دفاع سی.آی.اس موافقت کردند تا دوباره سیستم دفاع هوایی مشترکی را ایجاد کنند.^(۹) دیدگاهها و سیاستهای کشورهای آسیای مرکزی نسبت به رابطهٔ آنان با کشورهای مستقل مشترک‌المنافع متفاوت است. قزاقستان در جستجوی همکاری اقتصادی همراه با استقلال سیاسی تدریجی از این جامعه است، ترکمنستان حتی از هماهنگی ساده در برخی از زمینه‌ها با سی.آی.اس اجتناب می‌ورزد، ازبکستان و تا حد کمتری قرقیزستان در تلاشند تا از همگرایی این بلوک متشکل از جمهوری‌های سابق شوروی فاصله بگیرند، و به دلیل ناآرامی‌های داخلی موضع تاجیکستان هنوز نامعلوم است.^(۱۰) با این حال، حجم معاملات تجاری میان کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در سال گذشته به بیش از ۶۰ میلیارد دلار رسید که ۲۶ درصد نسبت به سال ۱۹۹۵ افزایش نشان داد.^(۱۱) البته مشخص نیست که چه درصدی از این مبادلات بازرگانی بین جمهوری‌های آسیای مرکزی و سایر اعضای سی.آی.اس صورت گرفته است. اما آشکارست که رهبران جمهوری‌های آسیای مرکزی مایلند تا وابستگی اقتصادی خود را به روسیه و سایر اعضای جامعه کشورهای مشترک‌المنافع کاهش دهند. در جهت نیل به این هدف، دولت ازبکستان پیشنهاد تشکیل «اتحادیه منطقه‌ای آسیای مرکزی» را ارائه نمود. ولی همسایگانش نگرانند که به دلیل برتری کمی، خود ازبکها بر چنین نهادی تسلط یابند.^(۱۲) رئیس جمهوری‌های قزاقستان، قرقیزستان و ازبکستان (نظربایف، آقایف، و کریمف) در ملاقاتی در بیشکک در ششم ماه مه ۱۹۹۶ چندین قرارداد همکاری اقتصادی به امضا رسانیدند که در میان آنها توافقنامه‌ای برای اجرای معاهده آوریل ۱۹۹۴ به منظور ایجاد اتحادیه‌ای اقتصادی بین این سه کشور بود.^(۱۳) در ادامهٔ همین گفتگوها، این رهبران ملی در ۲۳ اوت ۱۹۹۶ در آلمان آتی ملاقات کرده و قراردادهایی را برای ایجاد «بازار مشترک اقتصادی» تا سال ۱۹۹۸ به امضا رسانیدند.^(۱۴)

به نظر می‌آید که تلاشهایی در جهت همگرایی در آسیای مرکزی صورت گرفته، و اینکه رهبران این کشورها همگرایی را به واگرایی در شکل‌دهی روابط آینده بین قدرتهای منطقه‌ای

ترجیح داده‌اند. پرسش مهم این است که آیا این منطقه شرایط اساسی لازم برای ایجاد یک نظام واحد را داراست؟ آیا عوامل ژئوپلیتیک، اقتصادی-اجتماعی (مانند جمعیت، قومیت)، تاریخی-تمدنی و ایدئولوژیک در منطقه این امر را ممکن می‌سازند؟ به غیر از عوامل سطح ملی و منطقه‌ای، آیا عوامل سیستمی نیز در میزان موفقیت تلاش‌های همگرایی آسیای مرکزی مؤثرند؟ فرضیه‌ای است که رفتار واحدها (کشورها)ی موجود در نظام بین‌الملل و پیامدهای روابط آنها تحت تأثیر ساختار این نظام و جایگاهی که واحدهای مربوط در درون آن دارند، قرار دارد.^(۱۵) بنابراین، جایگاه نسبی کشورهای آسیای مرکزی در نظام بین‌الملل، عامل سیستمی در تعیین موفقیت سیاست‌های همگرایی اقتصادی آنان به‌شمار می‌آید.

مشکلات توسعه ملی در آسیای مرکزی و تأثیر آنها بر روند همگرایی منطقه‌ای

تفاوت‌های آشکاری بین کشورهای آسیای مرکزی مشاهده می‌شود. قزاقستان دارای بیشترین مساحت و جمعیت است، اما از ۱۷ میلیون نفر ساکنانش تنها ۴۲٪ قزاق، ۴۷٪ مسلمان هستند. نیمی از مردم قزاقستان از لحاظ قومی در گروه‌های غیرقزاقی، و از لحاظ مذهب در گروه‌های غیرمسلمان قرار دارند. همگرایی محکم صنایع قزاقستان یا صنایع سیبری، دولت آلمانی را ناگزیر ساخته تا در سیاست‌های اقتصادی خود از روسیه تبعیت کند. ترکمنستان وسعتش معادل ۴۸۸ هزار مترمربع بوده و تنها ۴/۲۱۵ میلیون نفر سکنه در ۱۹۹۶ داشته که در بین آنان ۷۹ درصد ترکمن و بقیه روس، ازبک و قزاق بشمار می‌آیند. ازبکستان سومین کشور از لحاظ وسعت جغرافیایی در این منطقه است، ولی بیشترین جمعیت (معادل ۲۳/۵ میلیون نفر) را در خود گنجانده است.

در بین این افراد ۷۹ درصد ازبک، ۹ درصد تاجیک و قزاق و ۱۲ درصد روس و سایر اقوام به چشم می‌خورند. ازبکستان نه تنها پرجمعیت‌ترین کشور آسیای مرکزی است، بلکه تنها کشوری هم هست که با چهار کشور دیگر در این منطقه مرز مشترک دارد. قرقیزستان از لحاظ مساحت و جمعیت مقام چهارم را در منطقه به خود اختصاص داده، و محل سکونت مردمی است که ۵۲ درصد قرقیزی، و مابقی روس و ازبک و سایر گروه‌های قومی می‌باشند. سرانجام، تاجیکستان کوچکترین کشور از لحاظ وسعت جغرافیایی، سومین از حیث جمعیت (بعد از ازبکستان و قزاقستان) و محل زندگی ۶۹ درصد تاجیک، ۲۵ درصد ازبک و ۶ درصد روس و تاتار می‌باشد (به جدول یک بنگرید)

جدول ۱

شاخصهای توسعه نسبی و مطلق دخیل در میزان موفقیت همگرایی در آسیای مرکزی

شاخصها	ازبکستان	تاجیکستان	ترکمنستان	قرقیزستان	قزاقستان
مساحت به هزار کیلومتر مربع	۴۴۷	۱۴۱	۴۸۸	۱۹۹	۲۷۱۷
درصد زمین قابل کشت از کل قلمرو، ۱۹۹۲	۱۰/۸	۷/۰	۳/۰	۸/۲	۱۳/۱
جمعیت به میلیون نفر، ۱۹۹۶	۲۳/۵۴۶	۶/۱۵۶	۴/۲۱۵	۴/۵۳	۱۷
درصد شهرنشینان به کل جمعیت، ۱۹۹۲	۴۱	۳۲	۴۵	۳۹	۵۸
ترکیب جمعیت (تعداد اعضای گروههای اکثریت و اقلیت قومی به صورت درصدی از کل جمعیت کشور)، ۱۹۹۵	۷۹٪ ازبک، ۵٪ تاجیک، ۴٪ قزاق و ۱۲٪ دیگران	۶۹٪ تاجیک، ۲۵٪ ازبک، ۴٪ روس و ۲٪ تاتار	۷۹٪ ترکمن، ۱۰٪ روس، ۹٪ ازبک و ۲٪ قزاق	۵۲٪ قرقیزی، ۲۱٪ روس، ۱۳٪ ازبک و ۱۴٪ دیگران	۴۲٪ قزاق، ۳۷٪ روس، ۲٪ ازبک و ۱۹٪ دیگران
دین اصلی	اسلام	اسلام	اسلام	اسلام	اسلام
نیروی کار در بخش کشاورزی، ۱۹۹۰-۹۲	۱۷	۱۴	-	۱۶	۲۰
نیروی کار در بخش صنعت، ۱۹۹۰-۱۹۹۲	۲۰	۱۹	-	۲۴	۲۲
نیروی کار در بخش خدمات، ۱۹۹۰-۱۹۹۲	۶۳	۶۷	-	۶۰	۵۸
سالخوردگان در کل جمعیت، * ۱۹۹۲	۵	۵	۴	۶	۷
درآمد ملی به میلیارد دلار، ۱۹۹۵	۱۱/۰	۱/۰	۴/۹	۱/۶	۱۸/۰
درآمد سرانه به دلار، ۱۹۹۵	۲۴۰۰	۱۵۰۰	۳۷۰۰	۲۱۰۰	۳۳۰۰
٪ نرخ رشد اقتصادی، ۱۹۹۵	-۱/۲	-۱۲/۰	-۱۴/۰	+۱/۳	-۵/۰
٪ نرخ تورم، ۱۹۹۵	۳۰۵	۶۳۵	۱۲۶۲	۴۳	۱۷۶
بدهی های خارجی به میلیارد دلار، ۱۹۹۶	۱/۱	۰/۰۵	۱/۰	۰/۵۱۵	۳/۹
شاخص توسعه انسانی، ۱۹۹۲	۰/۷۰۶	۰/۶۴۲	۰/۷۳۱	۰/۷۱۷	۰/۷۹۸
رتبه جهانی بر اساس شاخص توسعه انسانی	۹۴	۱۰۳	۸۶	۸۹	۶۴
امید به زندگی به سال، ۱۹۹۲	۶۹/۲	۷۰/۲	۶۵/۰	۶۹/۰	۶۹/۷
٪ نرخ باسوادی در بزرگسالان، ۱۹۹۲	۹۷/۲	۹۶/۷	۹۷/۷	۹۷/۰	۹۷/۵
٪ نرخ نیتنام در مدارس، ۱۹۹۲	۷۷/۰	۶۷/۰	۷۷/۰	۷۷/۰	۶۷/۰
هزینه نظامی به میلیون دلار، ۱۹۹۶	۱۰	۷	۱۸	۷	۴۰
نیروهای نظامی فعال به هزار نفر، ۱۹۹۶	۳۰	۷	۱۸	۷	۴۰

منابع:

IISS *The Military Balance, 1996-97*. London: the IISS, October 1996, various pages; UNDP. *Human Development Report 1995*. New York: Oxford University Press, 1995.

* درصد افراد بالای سن ۶۵ سال در کل جمعیت را شامل می شود.

در ۱۹۹۵، بالاترین درآمد ملی به قزاقستان، و پایین‌ترین آن به تاجیکستان تعلق داشت. درآمد سرانه این پنج کشور آسیای مرکزی، از ۱۵۰۰ دلار در تاجیکستان تا ۳۷۰۰ دلار در ترکمنستان متغیر بود. درصد نرخ تورم بسیار بالا (در ترکمنستان معادل ۱۲۶۲ درصد)، شاخص توسعه انسانی متوسط، و به غیر از قرقیزستان نرخ رشد اقتصادی منفی داشته‌اند. بر مبنای شاخص توسعه انسانی، شهروندان قزاقستان دارای بالاترین و تاجیکستانی‌ها دارای پایین‌ترین سطح استاندارد زندگی بوده‌اند. هزینه‌های نظامی و نیروهای نظامی فعال در آسیای مرکزی در مقایسه با سایر مناطق جهان سطح میلیتاریسم پایینی را نمودار می‌سازند. (به جدول یک نگاه کنید).

قزاقستان از مزیت دارا بودن ذخایر عظیم منابع طبیعی قابل صدور به بازارهای جهانی (نظیر نفت، طلا، گاز طبیعی، مس، منگنز و غیره) برخوردار است. تاجیکستان فاقد مهارت‌ها و سرمایه‌های کافی برای گونه‌گون سازی اقتصادش است، و برای تکمیل پروژه‌های توسعه به کمک خارجی نیاز دارد. نابسامانی سیاسی، تهدید جنگ داخلی ممتد در تاجیکستان مانع از سرمایه‌گذاری خارجی قابل توجه در آینده نزدیک در این کشور می‌شود. ترکمنستان نیز مقادیر زیادی نفت و گاز طبیعی در اختیار دارد که برای به دست آوردن وجوه لازم برای پروژه‌های توسعه ملی می‌تواند به خارج از منطقه صادر شوند. با توجه به این منابع غنی و جمعیت کم، ترکمنستان در موقعیت اقتصادی مناسب‌تری از تاجیکستان و قرقیزستان قرار گرفته است. با این حال تقریباً تمام ۵ کشور منطقه بدون پایه صنعتی مستحکم برای پیشرفت اقتصادی پایدار می‌باشند. یکی از علل عمده این ضعف، ترتیب خاص تجاری بین این جمهوری‌ها و مسکو بوده است به نحوی که شوروی مواد خام (از قبیل نفت، گاز، پنبه) را از آنها به قیمت‌های کم خریداری می‌کرد، و درازای آنها مواد غذایی و کالاهای ساخته شده به مردم این منطقه می‌فروخت. در ازبکستان، بر اثر تأکید بیش از حد بر کشت پنبه که نیاز به استفاده گسترده و مداوم موادکشنده آفات گیاهی، کودهای شیمیایی و آبیاری دارد^(۱۶) مشکلات زیست‌محیطی شدیدی مانند فرسایش خاک و آلودگی‌های خاک و آب به وجود آمده است.

فرضیه‌ای ارائه شده که علت عمده مشکلات توسعه آسیای مرکزی را امپریالیسم شوروی می‌دانند. سلطه کمونیست‌ها مشکلات گوناگونی را برای مردم منطقه به ارمغان آورد، از جمله مرزهای بومی نشده و اکتسابی، قوم و ملت‌های درهم آمیخته بر اثر مهاجرت اجباری، و مسائل دیگری ناشی از دهها سال حکومت متمرکز و مستبدانه که زندگی مردم بومی را دشوار ساخت.^(۱۷) فرضیه دومی هم وجود دارد که عامل داخلی را سبب‌ساز توسعه نیافتگی کشورهای آسیای مرکزی معرفی می‌کند. استدلال این است که تنوع زبانی، مذهبی، قومی، اقتصادی و عقیدتی (ویژگی‌های داخلی این جوامع) تقریباً اختلاف و درگیری در درون آنها و بین این کشورها را بدیهی و حتمی می‌کند.^(۱۸) شواهدی هم برای پذیرش این ادعا وجود دارد. به طور مثال، تنش‌های بین قرقیزی‌ها و اقلیت ازبکی

(که ۱۳ درصد از جمعیت قرقیزستان را تشکیل می‌دهند) در اواسط ۱۹۹۰ به درگیری مسلحانه جدی که در آن ۲۵۰ نفر کشته شدند، منتهی شد. احتمالاً این رویداد به روی کار آمدن آقایف به عنوان رئیس جمهوری اصلاح طلب تر کمک کرد. روابط بین ازبکها، قزاقها و تاجیکها همیشه تنش‌زا بوده است. بخش بزرگی از دره فرغانه^(۱۹) که از لحاظ سیاسی بی‌ثبات و ناآرام است در ازبکستان شرقی واقع شده است. این دره که تا قلمروی قرقیزستان و تاجیکستان هم امتداد پیدا می‌کند، به مکان مخالفت با دولت تبدیل شده است بسیاری از گروه‌های قومی منطقه در این دره در کنار هم سکونت دارند، و بنابراین محل زدوخوردهای قومی هم بوده است.^(۲۰) جمعیت این منطقه دارای ترکیب قومی ویژه‌ای است. ازبکها و قزاقها بیش از نیمی از جمعیت آسیای مرکزی، ترکمن‌ها، قرقیزی‌ها و تاجیکها یک پنجم از مردم منطقه و روسها و سایرین کمتر از یک سوم دیگر ساکنان این قلمرو را تشکیل می‌دهند. ازبکها (با ۳۸/۷ درصد) بیشترین و قرقیزی‌ها (با ۴/۲ درصد) کمترین درصد از کل تعداد ساکنان منطقه به‌شمار می‌آیند. نکته مهم این است که ۱۴/۳ درصد از مردم آسیای مرکزی روس هستند. (به جدول ۲ بنگرید)

جدول ۲- ترکیب قومی جمعیت در آسیای مرکزی

گروه قومی	شمار نفرات	% از کل جمعیت هر کشور	% از کل جمعیت منطقه
ازبک	در ازبکستان	۱۸,۶۰۱,۳۴۰	۳۸/۷%
	در تاجیکستان	۱,۵۳۹,۰۰۰	۷۹%
	در ترکمنستان	۳۷۹,۳۵۰	۵
	در قرقیزستان	۵۸۸,۹۰۰	۹
	در قزاقستان	۳۴۰,۰۰۰	۱۳
	در کل منطقه	۲۱۴۴۸۵۹۰	۲
		-	-
قزاق	در ازبکستان	۹۴۱۸۴۰	۱۴/۷%
	در تاجیکستان	-	۴%
	در ترکمنستان	۸۴۳۰۰	-
	در قرقیزستان	-	۲
	در قزاقستان	۷۱۴۰۰۰۰	-
	در کل منطقه	۸۱۶۶۱۴۰	۴۲
		-	-

روند همگرایی و تأثیر آن بر توسعه در آسیای مرکزی / ۹۳

گروه قومی	شمار نفرات	% از کل جمعیت هر کشور	% از کل جمعیت منطقه
روس	درازبکستان	-	۱۴/۳٪
	در تاجیکستان	۴٪	
	در ترکمنستان	۱۰	
	در قرقیزستان	۲۱	
	در قزاقستان	۳۷	
	در کل منطقه	-	

آماره
در بخش دوم
اداره آمار از بدو
سال ۱۳۸۳ آمار خود

سایر اقوام	درازبکستان <th>۲۸۲۵۰۵۲۰ <th>۱۲٪</th> </th>	۲۸۲۵۰۵۲۰ <th>۱۲٪</th>	۱۲٪
	در تاجیکستان	۱۲۳۰۱۲۰	۲
	در ترکمنستان	-	-
	در قرقیزستان	۶۳۴۰۲۰۰	۱۴
	در قزاقستان	۳۰۳۳۰۰۰۰	۱۹
	در کل منطقه	۶۸۱۲۰۸۴۰	-

مردود ۸۰۵۵۸۰۰۰

تاجیک	درازبکستان <th>۱۰۱۷۷۰۳۰۰ <th>۵</th> </th>	۱۰۱۷۷۰۳۰۰ <th>۵</th>	۵
	در تاجیکستان	۴۰۲۴۷۰۶۴۰	۶۹
	در ترکمنستان	-	-
	در قرقیزستان	-	-
	در قزاقستان	-	-
	در کل منطقه	۵۰۴۲۴۰۹۴۰	-

۹/۸٪
۵ - آسپه حدود ۱۰۰۰۰۰
در بخش دوم

ترکمن	درازبکستان <th>- <th>-</th> </th>	- <th>-</th>	-
	در تاجیکستان	-	-
	در ترکمنستان	۳۰۳۲۹۰۸۵۰	۷۹٪
	در قرقیزستان	-	-
	در قزاقستان	-	-
	در کل منطقه	۳۰۳۲۹۰۸۵۰	-

۶۱۰٪

گروه قومی	شمار نفرات	% از کل جمعیت هر کشور	% از کل جمعیت منطقه	
قرقیز	در ازبکستان	-	۴/۲%	
	در تاجیکستان	-		
	در ترکمنستان	-		
	در قرقیزستان	۲,۳۵۵,۶۰۰	۵۲%	
	در قزاقستان	-		
	در کل منطقه	۲,۳۵۵,۶۰۰		
<hr/>				
کل جمعیت منطقه	۵۵,۴۴۷,۰۰۰	-	۱۰۰%	
<hr/>				

منبع: محاسبات نویسنده براساس آمار ارائه شده در جدول یک
یادداشت: «سایر اقوام» شامل اوکراینی‌ها، آلمانی‌ها و دیگران می‌گردد.

در کل منطقه در ۱۹۹۵، ۷,۹۰۹,۰۴۰ روس دیده می‌شد. روسها که از بزرگترین گروههای قومی ازبکستان به شمار می‌آمدند، با نگرانی از گسترش احساسات ملی‌گرایی این قلمرو را ترک کرده‌اند و تعداد زیادی باقی نمانده‌اند. برخی از پژوهشگران غربی معتقدند که ادامه روند مهاجرت روسها به مشکلات اقتصادی بیشتر منطقه می‌انجامد، به طور نمونه خروج روسهای تحصیلکرده و با مهارت‌های ویژه اختلالاتی را در نیروی کار ازبکستان ایجاد می‌کند.^(۲۱) مشکل این است که جایگاه روسها در آسیای مرکزی چه خواهد بود.

مهاجرت روسها به طور حتم مشاغل مهمی را آزاد می‌سازد. آیا موج ملی‌گرایی باعث می‌شود که دولتهای محلی فقط به اعضای گروه قومی خاصی اجازه دهند تا تصدی این مشاغل را برعهده بگیرند؟ بعید به نظر می‌رسد که در آینده‌ای نزدیک شاهد کوچ دسته‌جمعی روسها از این منطقه باشیم. تقریباً تمام کشورهای مستقل تازه ایجاد شده دارای جمعیت روس، منافع سیاسی و اقتصادی روسی حتی در برخی موارد پایگاههای نظامی روسی هستند.

ترک منطقه توسط اسلاوها فرآیندی است که در ۱۹۸۹ آغاز شد. میزان مهاجرت شهرنشینان از ازبکستان ۱۶,۰۰۰ نفر، از تاجیکستان ۷۰۰۰ نفر، از ترکمنستان ۳۰۰۰ نفر و از قرقیزستان ۱۰۰۰ نفر گزارش شده بود.^(۲۲) هر سال، بر تعداد روسهایی که تصمیم به ترک آسیای مرکزی می‌گیرند

افزوده می‌شود، اما هنوز درصد قابل توجهی از مردم منطقه را تشکیل می‌دهند، بخصوص در قزاقستان جایی که بیش از شش میلیون روس به کار و زندگی مشغول‌اند (به آمار جدول دو مراجعه کنید). در شمال قزاقستان که صنعتی‌تر است، اکثراً روسها ساکن می‌باشند و فقط ۱۵ درصد از جمعیت آن مناطق را قزاقها تشکیل می‌دهند. بیش از دوسوم از جمعیت آلمانی پایتخت قزاقستان را در ۱۹۹۴ روسها تشکیل می‌دادند. در مناطق کشاورزی در جنوب بیشتر قزاقها زندگی می‌کنند. (۲۳)

دراگونسکی استدلال می‌کند چون روسها بیشتر در مناطق شمالی قزاقستان ساکن بوده‌اند، در شمال تمدن کاملاً صنعتی بیشتر به چشم می‌خورد، ولی هرچه به جنوب حرکت می‌کنیم جنبه‌های «ستی» جامعه (مثلاً افزایش جمعیت روستایی و تعداد بیشتر فرزندان در خانوارها) نمودارتر می‌شوند. همین ویژگی‌ها را در ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان مشاهده می‌کنیم که طیفی بین تمدنهای ستی و صنعتی را تشکیل می‌دهند. این دوگانگی اقتصادی شاید گویای سطح رقابت قومی در منطقه باشد. (۲۴) روسیه مصمم است تا از حقوق اقلیتهای روس در آسیای مرکزی حمایت کند. این احتمال وجود دارد که اگر اقلیتهای روس این جمهوری‌ها مورد حمله قرار گیرند، نیروهای نظامی روسی برای دفاع از آنان مداخله کنند. روسیه توجه خود را نسبت به مناطق شمال شرقی قزاقستان (کشوری که ۳۷ درصد از مردمش روس هستند)، و قرقیزستان (با نزدیک به یک میلیون روس یا ۲۱ درصد از کل جمعیتش) و ترکمنستان (جایی که ده درصد از مردم خود را روس می‌دانند) کاهش نخواهد داد. قزاقستان توسط کریدور باریکی که بیش از صد کیلومتر پهنا ندارد، در منطقه اورنبرگ (۲۵) از بشکورتستان (۲۶) (که با تاتارستان مرز مشترکی دارد) جدا می‌شود. این کریدور ممکن است به منطقه‌ای منازعه گسترده و وخیمی بر سر قومیت و قلمرو تبدیل گردد. در اگونسکی بیان می‌دارد که تلاشهای قزاقها برای فشار به سمت شمال در تصمیم انتقال پایتخت از آلمانی به آکیمولا (۲۷) و در مهاجرت روسها و روس‌زبانها از قزاقستان به روسیه نمایان است. (۲۸)

در واقع، دو دیدگاه متضاد در مورد سیاستهای روسیه در قبال آسیای مرکزی شکل گرفته است:

الف) سیاستهای مسکو با هدف ادغام مجدد آسیای مرکزی در اتحادی اقتصادی و سیاسی، و سرانجام نظامی با روسیه به منظور برقراری برتری نظامی - سیاسی روسها در منطقه و ایجاد نوعی جدید از وابستگی استعماری آسیای مرکزی به مسکو طرح ریزی می‌شود. (۲۹)

ب) برای آینده قابل پیش‌بینی تنها استراتژی معقولانه برای روسیه دفاع ژئوپلیتیک است. این ابرقدرت پیشین به سختی منابع کافی برای پشتیبانی از اقتصاد و استانداردهای زندگی مردم در قلب قلمروی روسیه، برای حفظ ثبات داخلی و جلوگیری از فروپاشی بیشتر فدراسیون را در اختیار

در. دلیل جدی و منطقی وجود ندارد که مسکو بخواهد آن استراتژی را در آسیای مرکزی دنبال کند که براساس قوانین بازی امپراتوری‌ها طرح‌ریزی شده باشد.^(۳۰) اگرچه مسکو سعی کرده تا کشورهای منطقه را تحت فشار قرار دهد تا با اعطای شهروندی دوگانه به روس تبارهای ساکن در سرزمینهای خود موافقت نمایند^(۳۱)، نباید فراموش کنیم که به دلیل ضعف اقتصادی روسیه و عدم تمایل جمهوری‌های مسلمان آسیای مرکزی به وحدت سیاسی دوباره با روسیه دستیابی به هدف جاه‌طلبانه بیان شده در دیدگاه الف بسیار دشوار خواهد بود. چه‌طور می‌توان انتظار داشت ملت‌هایی که حدود شش سال پیش استقلال خود را از اتحاد جماهیر شوروی اعلام کرده‌اند، در آینده‌ای نزدیک بپذیرند که دچار اشتباه شده‌اند و با ادغام در جمهوری فدراتیو روسیه، موجودیت سیاسی واحد دیگری را به وجود آورند. بنابر مالکوم و پراودا، دیدگاه الف بر این مناسبت که سیاست خارجی روسیه در چهار سال گذشته کمتر مبنی بر تشریک مساعی و بیشتر قاطعانه بوده است. در جایی که به «خارج نزدیک»^(۳۲) (منطقه شوروی سابق) مربوط می‌شود، دیدگاه‌های مردمی بیشتر به میانه‌روی تا به ملی‌گرایی روسی متمایل بوده است. اکثریت روسها از فروپاشی شوروی ابراز تأسف نموده، و بسیاری خواهان آن هستند که سی. آی. اس به منطقه ویژه منافع روسی مبدل گردد. در یک همه‌پرسی ماه مه ۱۹۹۴، دوسوم از پرسش‌دهندگان پشتیبانی خود را از یک سیاست مشابه «دکترین مونرو» اعلام کردند، و تعداد کمتری موافق بودند که با جمهوری‌های سابق همانند کشورهای مستقل برابر رفتار شود. دفاع از حقوق اقلیت روس در «خارج نزدیک» مسئله مورد توافق اکثریت بوده و تمام احزاب مهم به آن ارجحیت می‌دهند. در ماه مارس ۱۹۹۶، کمونیستها قطعنامه‌ای را به دومای روسیه ارائه کردند که هدفش لغو قراردادی بود که منجر به ایجاد جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع شده بود. این اقدامات در جهت تزلزل سیاست‌های سی. آی. اس بوریس یلتسین موجب تعهد عمومی قوی‌تری نسبت به همگرایی در چارچوب این نهاد (آن خط‌مشی که در ۱۹۹۳ آغاز شده بود) گردید. در واقع، این اقدام طرفداران کمونیسم در دوما احتمالاً به تسریع زمانی امضای قرارداد چهارجانبه بین روسیه، بیلوروس، قزاقستان و قرقیزستان انجامید.^(۳۳)

به‌طور خلاصه، شرایط توسعه در آسیای مرکزی همکاری آنها را تقریباً ضروری ساخته است. از لحاظ ژئوپلیتیک، تمام آنها دچار ضعف عمده محصور در خشکی بودن هستند، و دسترسی آزاد به راه‌های آبی تجاری بین‌المللی فقط از طریق همسایگان آسیای مرکزی برایشان میسر است. در واقع، موقعیت ژئواستراتژیک منطقه به گونه‌ای است که هیچ یک از کشورها بیش بر تنگه‌ها، بنادر دریایی، گذرگاه‌های کوهستانی مهم و راه‌های ارتباطاتی مهم نظارت ندارند. اگرچه منابع معدنی زیادی در آسیای مرکزی وجود دارد، اما قطع صادرات آنها (برعکس نفت و گاز خلیج

فارس) به بازارهای جهانی تأثیر منفی غیرقابل جبرانی را برجای نمی‌گذارد. از لحاظ اقتصادی، آسیای مرکزی در منطقه پیرامونی اقتصاد جهانی باقی خواهد ماند. سولونیک ادعا می‌کند که بدون کمک اقتصادی قابل توجه روسیه، زیرساختارهای صنعتی و نقل و انتقال موجود تضعیف خواهد شد، بویژه در شرایطی که دولتهای محلی دچار کمبود بودجه هستند. در ضمن، مهاجرت روبه افزایش نیروی کار ماهر و متخصص اسلاو از آسیای مرکزی به بخشهای اروپایی روسیه نیز عاملی در پس روی صنعتی این منطقه خواهد بود. از لحاظ اجتماعی، ویژگی مشترک این منطقه تغییر منفی در بافت اجتماعی جامعه است.^(۳۴) از لحاظ سیاسی، دولتهای آسیای مرکزی هنوز نتوانسته‌اند که دموکراسی را در همه جا جایگزین کمونیسم کنند. برخی از رهبران سیاسی همان نخبگان قدیمی هستند که در صدر قدرت باقی مانده‌اند (و یا به قدرت بازگشته‌اند)، البته در یک جایگاه و منصب جدید. در بین آنها، افرادی دیده می‌شوند که در یک زمانی مسئول نهادهای حزب کمونیست شوروی بوده‌اند.^(۳۵) در بررسی موفقیت یا شکست سیاست همگرایی اقتصادی، باید عوامل سیاسی را در نظر بگیریم زیرا کمبود آزادی‌های مدنی و سیاسی رابطه‌ای منفی با رشد اقتصادی دارد. در دوره زمانی ۱۹۶۰-۱۹۸۰، جوامع از لحاظ سیاسی بازتر که به آزادی‌ها و حقوق سیاسی، مدنی و اقتصادی مردم اهمیت بیشتری می‌دادند، دارای رشد اقتصادی سه‌برابر بیشتری از نرخ رشد اقتصادی جوامع بسته‌ای بودند که این آزادی‌ها را محدودتر ساخته بودند.^(۳۶) از این گذشته، بین بی‌ثباتی سیاسی و رشد اقتصادی نیز رابطه‌ای وجود دارد؛ زیرا بی‌ثباتی سیاسی ذخیره سرمایه و نیروی کار را کاهش داده و در نتیجه مانع از رشد اقتصادی می‌گردد.^(۳۷) ناآرامی‌های سیاسی، اگر ادامه یابند، سبب خروج سرمایه و نیروی کار ماهر و متخصص از کشور می‌گردد، چنانکه در آسیای مرکزی علت عمده مهاجرت روسها عدم ثبات سیاسی و رشد اقتصادی کند شده فرض می‌شود.

راه چاره‌های موجود برای هماهنگی سیاستهای توسعه ملی و منطقه‌ای

مهمترین راههای ممکن برای هماهنگ‌سازی سیاستهای ملی کشورهای آسیای مرکزی با هدف همگرایی تدریجی نظامهای اقتصادی آنها در اقتصاد منطقه‌ای و جهانی را می‌توان به سه گروه تجزیه، همگرایی و واگرایی تقسیم کنیم:

الف) تجزیه - ادغام مجدد در فدراسیون روسیه (شاید همراه با برخی دیگر از جمهوری‌های سابق شوروی) برای تشکیل ابرقدرتی جدید که به وابستگی یک‌طرفه منجر خواهد شد.

ب) همگرایی - که در شش حالت میسر می‌باشد و وابستگی متقابل را تقویت می‌کند:

- وحدت کامل پنج کشور آسیای مرکزی به منظور ایجاد یک موجودیت سیاسی - اقتصادی واحد با عنوان احتمالی «ایالات متحده آسیای مرکزی»؛

- همگرایی در زمینه‌های مختلف بین پنج کشور آسیای مرکزی با حفظ استقلال داخلی آنها؛

- همگرایی در زمینه‌های مختلف در چارچوب سی.آی.اس؛

- همگرایی در زمینه‌های گوناگون در چارچوب اکو؛

- همگرایی در زمینه‌های مختلف با اعضای سی.آی.اس، اکو و یا نهادهای مشابه دیگری؛

- همگرایی در زمینه‌های مختلف با دیگر کشورها.

ج) واگرایی و ملی‌گرایی که حداقل در سه حالت زیر بوقوع می‌پیوندد، و به وابستگی به خارج و یا ناوابستگی منتهی می‌شود:

- اجرای سیاستهای ملی‌گرایانه توسعه درون‌زا بدون همکاری و هماهنگی با همسایگان؛

- اجرای سیاستهای ملی‌گرایانه توسعه برون‌زا با هدف رسیدن به توسعه ناوابسته بدون همگرایی با همسایگان؛

- رقابت شدید (و حتی جنگهای اقتصادی و یا درگیری‌های نظامی) با همسایگان و واگرایی کامل در منطقه.

در مورد راه الف در بخش قبلی بحث شد و در شرایط فعلی غیر عملی و دوراز انتظار تصور می‌شود. در مورد راههای ج باید تأکید شود که به علت موقعیت جغرافیایی آسیای مرکزی ناوابستگی به دنیای خارج برای این دولتها امر ناممکنی است، و تهدید وابستگی یک طرفه و منفی به دیگران همیشه وجود خواهد داشت. منابع انرژی این منطقه برای پیشرفت اقتصادی و همگرایی، و نیز ادغام کشورهای منطقه‌ای در اقتصاد جهانی حائز اهمیت والایی هستند. برخی از ناظران خارجی بر این باورند که این ذخایر تنها امید دولتهای آسیای مرکزی برای نیل به اهداف ملی برقراری ثبات سیاسی و رونق اقتصادی در آینده می‌باشند. با این حال، این منابع غنی طبیعی می‌توانند موجبات واگرایی منطقه‌ای را نیز فراهم آورند. با این فرض که هر دولتی که اقتصاد انرژی آسیای مرکزی را تحت نظارت خود قرار دهد قادر به تعیین سرنوشت این منطقه خواهد بود، رقابت شدیدی برای نفوذ و حتی کنترل این کشورهای نوپا آغاز گردیده است.^(۳۸) بنابه نظریه‌های سنتی وابستگی و سیستم جهانی^(۳۹) نفوذ سرمایه‌های خارجی می‌تواند توسعه آسیای مرکزی را مختل کرده، و حتی باز دارد. در نظریه توسعه وابسته^(۴۰)، سرمایه خارجی با همکاری نخبگان داخلی برای گسترش اقتصادی بخشهای «مدرن» مانند صنعت، معادن و کشاورزی متمایل به صادرات به کار می‌رود. در آسیای مرکزی باید بررسی شود که آیا سرمایه‌گذاری خارجی به سهولت دستیابی به تکنولوژی و

سرمایه از مناطق پیشرفته جهان می‌انجامد و یا به وابستگی مالی به شرکتهای چندملیتی غربی؟ با استفاده از وابستگی کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی به خطوط نفت و گاز روسیه، مسکو به‌طور مستمر در تلاش بوده تا مزایایی را از قزاقستان و ترکمنستان دریافت کند. در نوامبر ۱۹۹۳، شرکت گاز طبیعی روسیه موسوم به گاز پروم^(۴۱) صادرات گاز ترکمنستان به اروپا را که عمده‌ترین منبع درآمدشان بود قطع کرد. روسیه ایده «معاوضه بدهی با سهام»^(۴۲) شرکتهای دولتی گاز و نفت قزاقستان و ترکمنستان را نیز پیشنهاد نمود.^(۴۳) دولت مسکو خواهان مشارکت در پروژه‌های نفت و گاز بزرگ این منطقه می‌باشد، و از شبکه‌های خطوط گازی که از قلمرویش عبور می‌کنند تا این منابع را به بازارهای جهانی برسانند به عنوان اهرم فشار استفاده می‌کند.^(۴۴) جالب توجه آن است که گروه‌هایی در روسیه (از جمله شرکتهای نفتی روسی، بخشهایی از بوروکراسی دولت و مصرف‌کنندگان داخلی انرژی) با ایده سرمایه‌گذاری خارجی و دخالت غیرروسها در صنعت ملی نفت خود بر این مبنایکه مغایر با منافع کل کشورشان است، مخالفانند. آنان بیم دارند که روسیه اجازه دهد تا خود را «تحت استعمار» سرمایه‌گذاران غربی قرار دهد، و ثروت منابع طبیعی خود را به بهای نازل به بیگانگان واگذارد. موافقان سرمایه‌گذاری خارجی معتقدند که برای توسعه این صنعت فقط نیاز به پول ندارند، بلکه تکنولوژی و آگاهی‌های غربی نیز ضروری است و تنها با همکاری مستقیم با شرکتهای غربی می‌توانند به آنچه نیاز دارند، دست یابند.^(۴۵)

بنابراین نظر نظریه‌پردازان توسعه، اگر سرمایه‌گذاری خارجی و بدهی‌های خارجی منجر به افزایش اندازه دولت و مصرف دولتی شوند، باید رشد اقتصادی نیز افزایش یابد، اما احتمال دارد که کیفیت زندگی عموم مردم را بهبود نبخشد. سرمایه‌گذاری و دولت میزبان اتحادی را بین خود تشکیل می‌دهند که به گسترش اقتصادی کمک خواهد کرد، ولی این اتحاد ضرورتاً علاقه‌ای به طرح و اجرای برنامه‌های فقرزدایی و ارتقای سطح زندگی مردم ندارد. با توجه به پیامدهای منفی وابستگی یکجانبه به سرمایه‌گذاری خارجی و تهدیدهای ناشی از توسعه وابسته، کشورهای آسیای مرکزی بهتر است در صدد ایجاد و تقویت وابستگی‌های متقابل باشند.

درجه همگرایی و روابط اقتصادی بین کشورها تا حد زیادی بستگی به مسافت جغرافیایی بین آنها دارد، البته عوامل مهم دیگری هم وجود دارند. پسکل در ۱۹۹۰ در مطالعه‌ای تطبیقی بین کشورهای متعددی نشان می‌دهد که مسافت، همجواری، شباهت فرهنگی و یک متغیر اولویت قائل شدن نمایانگر ملاحظات سیاسی دولتها تعیین‌کننده روابط بین‌المللی، تجارت و همگرایی اقتصادی کشورها می‌باشند.^(۴۶) عوامل جغرافیایی (جایگاه جغرافیایی کشورها و اندازه نسبی آنها در فضای اقتصادی منطقه‌ای) نقش مهمی را در میزان همگرایی بین کشورها ایفا می‌کند.

جدول ۳- شاخص سهولت همگرایی در آسیای مرکزی*

شاخص‌ها**	ازبکستان	تاجیکستان	ترکمنستان	قرقیزستان	قزاقستان
سطح توسعه نسبی	۴	۱	۲	۳	۵
جمعیت	۵	۳	۱	۲	۴
تنوع قومی	۵	۳	۴	۲	۱
اندازه جغرافیایی کشور	۲	۱	۲	۱	۳
موانع جغرافیایی	۱	۱	۱	۱	۱
ثبات سیاسی	۲	۱	۲	۲	۲
شاخص سهولت همگرایی	۱۹	۱۰	۱۲	۱۱	۱۶

منبع: محاسبات نویسنده براساس آمارهای جدول ۱ و ۲

توضیح:

* به دلیل عدم اعتماد کامل به آمار و ارقامهای این منطقه و عدم وجود بسیاری از آمارهای مهم، این محاسبات باید با احتیاط به کار روند.

** سنجش این شاخصها به شیوه زیر به انجام رسیده است:

۱. «سطح توسعه» از ۱ تا ۵ به ترتیب از پایین‌ترین تا بالاترین سطح درآمد ملی و شاخص توسعه انسانی.
 ۲. «جمعیت» از ۱ تا ۵ به ترتیب از کمترین تا بیشترین نفقات ساکن کشور.
 ۳. «تنوع قومی» از ۱ تا ۵ به ترتیب از بیشترین ناهمگونی (بالاترین اختلاف در تعداد اکثریت و اقلیتهای قومی) تا ناهمگونی کمتر (تفاوت کمتر بین اکثریت و اقلیتهای قومی)
 ۴. «اندازه جغرافیایی کشور» از ۱ تا ۵ به ترتیب از وسیعترین تا کوچکترین مساحت جغرافیایی.
 ۵. «موانع جغرافیایی» از ۱ تا ۵ به ترتیب از دشوارترین تا سهل‌ترین موانع. در اینجا به دلیل محصور در خشکی بودن آسیای مرکزی و عدم امکان رفع این مانع برای هر پنج کشور رقم یک در نظر گرفته شده است.
 ۶. «ثبات سیاسی» از ۱ تا ۵ به ترتیب از ناآرام‌ترین تا آرام‌ترین محیطهای سیاسی داخلی.
- شاخص ترکیبی سهولت همگرایی از جمع امتیازات به دست آمده برای هر شش شاخص برای هر پنج کشور محاسبه شده، و ارزشهای حداقل - حداکثر ۶ تا ۳۰ را دربر می‌گیرد که به ترتیب نمایانگر آمادگی کمتر تا آمادگی بیشتر برای همگرایی منطقه‌ای است.

شاخص ترکیبی نسبی سهولت همگرایی با در نظر گرفتن شاخصهای اقتصادی (درآمد ملی و شاخص توسعه انسانی)، اجتماعی (همگونی قومی)، جغرافیایی (جایگاه و اندازه کشور) و سیاسی (وجود صلح و آرامش) در آسیای مرکزی محاسبه می‌شود (به جدول سه بنگرید) (۴۷) هرچه ارزش این شاخص ترکیبی کمتر باشد، همگرایی این کشور در منطقه دشوارتر خواهد بود. بنابراین، فرآیند همگرایی اقتصادی آسیای مرکزی به ترتیب برای ازبکستان، قزاقستان، ترکمنستان، قرقیزستان و سپس تاجیکستان سهل‌تر پیش‌بینی می‌شود. ترکمنستان به دلیل همجواری با ایران دارای مزیت مکانی استراتژیک ارزشمندتر و دسترسی سهل‌تر به بازارهای جهانی است. قزاقستان به دلیل مجاورت با دریای خزر از جایگاه جغرافیایی مطلوب‌تری تا قرقیزستان برخوردار است. فرآیند همگرایی و اتحاد در فضای آسیای مرکزی، پتانسیل اقتصادی همه کشورهای منطقه را افزایش می‌دهد؛ زیرا فرصتهای جدیدی برای گسترش بازارهای این منطقه گشوده می‌شود. آسیای مرکزی همگرا و متحد می‌تواند از لحاظ اقتصادی و استراتژیک در توازن قدرت در سطح برابرتری با چین و روسیه قرار گیرد. کشوری که بیشترین نفع را از این همگرایی منطقه‌ای خواهد برد، تاجیکستان است که جمعیتش برابر با یک چهارم جمعیت ازبکستان و توسعه اقتصادی و انسانی‌اش در پایین‌ترین سطح در منطقه است. موفقیت همگرایی اقتصادی در آسیای مرکزی به نفع قزاقستان (شاید توسعه یافته‌ترین عضو این جامعه) هم خواهد بود، زیرا آلماتی قادر خواهد شد تا وابستگی شدیدش را به روسیه کاهش دهد، و روابط اقتصادی قدرتمندی را با مراکز توسعه جهان برقرار سازد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

یادداشتها

۱. برای شرح مفصل‌تر این مشکلات جهانی بنگرید به:

Charles W. Kegley, Jr. «The New Global Order: The Power of Principle in a Pluralistic World», in Joel H. Rosenthal, ed. *Ethic and International Affairs: A Reader*. Washington, DC: Georgetown University Press, 1995, pp.119-120.

2. Integration

۳. بنگرید به:

Karl W. Deutsch. *The Analysis of International Relations*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Prentice Hall, 1998, 3rd edition, p.212.

۵. برای توضیحاتی بیشتر در مورد رهیافت کارکردگرایی، و رهیافت ارتباطات که همگرایی سیاسی و اقتصادی را مورد بررسی قرار می‌دهند، بنگرید به:

Peter Toma and Robert Gorman. *International Relations: Understanding Global Issues*. Pacific Grove, CA: Brooks/ Cole Pub., 1991, pp.68-69.

تر مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ۵، دوره دوم، شماره ۱۳، بهار ۱۳۷۵، ص ۳۵۷.

7. A Community of Integrated States.

8. «CIS- New Integration Treaty», *Keesing's Record of World Events*, V.42, No.3, March 1996, 41018.

9. «Commonwealth of Independent States», *Keesing's*, V.42, Reference Supplement, R129.

۱۰. برای این ادعا، رجوع شود به:

Sergei Solodovnik. «Central Asia - A New Geopolitical profile», *International Affairs (Moscow)*, October 1993: 56-65, p.58.

۱۱. «سران کشورهای مشترک‌المنافع همگرایی اقتصادی و گسترش ناتو را بررسی می‌کنند»، اطلاعات، چهارشنبه ۱۹ دی ۱۳۷۵.

12. Daniel Diller, ed. *Russia and the Independent States*. Washington, DC: CQ, 1993, p.263.

13. «In Brief - Central Asia», *Keesing's*, V.42, No.5, May 1996, 41104.

14. «In Brief- Central Asia», *Keesing's*, V.42, No.5, July/August 1996, 41233.

۱۵. این فرضیه توسط گروه بیشماری از نظریه پردازان روابط بین‌الملل ارائه شده است، برای نمونه بنگرید به:

David R. Mares. «Middle Powers under Regional Hegemony: To Challenge or Acquiesce Hegemonic Enforcement», *International Studies Quarterly*, 32,4, December 1988, pp.453-471.

۱۶. برای شرح مفصل‌تر مشکلات محیط‌زیستی ازبکستان، و این ادعا که وابستگی طولانی به کالاهای صادراتی نظیر پنبه منجر به فقر گسترده مردم و توسعه‌نیافتگی صنایع آسیای مرکزی شده است، رجوع شود به:

Daniel Diller, ed. *Russia and the Independent...*, p.261.

17. Mark Webber. «Coping with Anarchy: Ethnic Conflict and International Organizations in the Former Soviet Union», *International Relations*. XIII, 1, April 1996: 1-27.

18. Raphael Israeli, «Return to the Source: The Republics of Central Asia and the Middle East», *Central Asian Survey*. 13,1 (1994): 19-31, p.21.

19. Fergana

20. Daniel Diller, *op.cit.*, p.263.

21. Daniel Diller, *op.cit.*, p.263.

22. *Soviet Demographic Yearbook*, 1990: pp.582-583, Cited by Sergei Solodovnik. *op.cit.*, p.59.

23. Valentine Shishlevsky. «Kazakhstan- Profile of a Latent Central Asian Power», *Asian Defence Journal*. 5, 1994: 20-27.

24. D.V. Dragunskii. «Ethnopolitical Processes in the Post Soviet Space and the Reconstruction of Northern Eurasia», *Russian Politics & Law*, May- January 1996: 31-43, p.39.

25. Orenburg

26. Bashkortostan

27. Akmola

28. D.V. Dragunskii. *op.cit.*, p.41.

۲۹. برای شرح این دیدگاه رجوع کنید به:

Stephen Blank. *Energy, Economics, and Security in Central Asia: Russia and Its Rivals*. U.S. Army War College, May 10, 1995.

30. S.Solodovnik, *op.cit.*, p.62.

۳۱. هنوز هیچ‌یک از دولتهای منطقه حاضر نشده‌اند به این خواسته مسکو جامه عمل بپوشانند، ولی در ۱۱ مارس ۱۹۹۶ کنش Kenesh (مجلس) قرقیزستان موافقت کرد که زبان روسی به رسمیت شناخته شود و در محل کار و در مناطق با اکثریت روس مورد استفاده قرار گیرد. زبان قرقیزی زبان رسمی دولت باقی ماند، رجوع کنید به

«Official Status for Russian Language», *Keesing's*, 42,3, March 1996, 41002.

32. Near abroad

33. Neil Malcolm and Alex Pravda. «Democratization and Russian Foreign Policy», *International Affairs*. 72,3, 1996, pp.534-544.

34. S. Solodovnik, *op.cit.*, pp. 58-59.

35. Oksana Gaman. «Regional Elites in Post- Soviet Russia», *Russian Politics & Law*, May- June 1994, pp.26-27.

36. Gerald W. Scully. «The Institutional Framework and Economic Development», *Journal of Political Economy*. 96, October 1988, pp. 562-62, Cited in Jakob de Haan and Clemens Siermann. «Political Instability, Freedom and Economic Growth», *Economic Development and Cultural Change*. 1996: 339-350.

۳۷. در پژوهشی تجربی برای ۹۸ کشور در دوره زمانی ۸۵-۱۹۶۰ بارو دو متغیر (یعنی شمار شورش، انقلاب و کودتا در هر سال و تعداد ترور سیاسی در هر یک میلیون جمعیت در سال) را برای اندازه گیری سطح نابسامانی سیاسی به کار می‌برد، و به این نتیجه دست می‌یابد که هر دو متغیر بر رشد اقتصادی اثر منفی قابل توجهی می‌گذارند، رجوع کنید به:

Robert Barro. «A Cross- Country Study of Growth, Saving and Government», *Working Paper No.2855*. Cambridge, MA: National Bureau of Economic Research, Feb. 1989, Cited in Jakob de Haan and Clemens Siermann, *op.cit.*

38. Stephen Blank. *op.cit.*, and Anoushiravan Ehteshami and Emma Murphy. «The Non-Arab Middle East and the Caucasian - Central Asian Republics: Iran and Israel», *International Interactions*. XII, 1. April 1994: 95-104.

۳۹. این نظریه‌های کلاسیک توسط فرانک و والرستین مطرح شده‌اند. رجوع کنید به:

Andre G. Frank. *Lumpenbourgeoisie- Lumpendevlopment: Dependence, Class and Politics in Latin America*. New York: Monthly Review Press, 1972; and Immanuel Wallerstein. *The Capitalist World - Economy*. Cambridge: Cambridge University Press, 1979.

40. Peter Evans. *Dependent Development*. Princeton, NJ: Princeton University Press, 1979.

41. Gazprom

42. Debt for Equity Swap

43. S. Blank. *op.cit.*, pp. 12-13.

۴۴. نورسلطان نظربایف رئیس‌جمهور قزاقستان و بوریس یلتسین در ۲۷ آوریل در آلماتی ناظر انعقاد قراردادی با عمان و هشت شرکت بزرگ نفتی خارجی برای احداث خط لوله‌ای که قرار است تا سال ۲۰۰۱ به پایان برسد و نفت چاههای تنگیز در قزاقستان را به بندر دریای سیاه روسیه نوروسیسک Novorossiysk منتقل کند، بودند؛ رجوع کنید به:

«In Brief», *Keesing's*, 42,4, April 1996, 41054.

45. James Watson. «Foreign Investment in Russia: The Case of the Oil Industry», *Europe - Asia Studies*. 48,3, 1996, pp.445-448.

46. K. Peschel. «on the Spatial Structure of the World Economy Since World war II», in W.Gehres and others, eds. *Real Adjustment Processes under Floating Rates*. Berlin and New York: Springer, 1990; cited in George C. Petrakos. «The Regional Dimension of Transition in Central and East European Countries», *Eastern European Economics*, 34,5, September- October 1996, p.26.

۴۷. این شاخص تا حدی شبیه به ایندکس پتانسیل جمعیت است که جورج پتراکوس برای اروپای شرقی و مرکزی و میزان همگرایی آنها در بازار اروپا محاسبه کرده است. اما پیش از محاسبه شاخصهای همگرایی بهتر برای آسیای مرکزی نیاز به اطلاعات و داده‌های آماری مهمی است، مثلاً مسافت بین مراکز اصلی در این کشورها را باید بدانیم. هنوز خطوط ارتباط هوایی بین پایتختهای آسیای مرکزی ایجاد نشده تا مطمئن شویم سفر هوایی بین این مراکز (مثلاً آلماتی - دوشنبه) چند دقیقه طول می‌کشد.